

# شرایط، آثار و احکام قتل در فراش

تاریخ دریافت: ۸۹/۶/۸

تاریخ تأیید: ۸۹/۹/۱۲

محمد رضا محمدی \*

## چکیده

مستند نظریه مشهور فقها مبنی بر جواز قتل زوجه واجبی، روایاتی است که یا در صدور آنها از معصومان علیهم السلام و یا در دلالتشان و یا در هر دو خدشه وجود دارد. این عدم استحکام سبب گردیده عده‌ای از فقهای متقدم و متأخر یا با اصل جواز قتل به طور کلی مخالفت نمایند و یا در صورت موافقت، آن را مشروط به احصان و یا منحصر به زانی بدانند. بنابراین، حکم مشهور یاد شده فاقد مستند معتبر است. با توجه به آنکه حکم مذکور را مشهور فقها جایز شمرده‌اند و در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی نیز آمده است، چنانچه زوج مرتکب قتل زوجه گردد، چون قتل مذکور دارای مجوز بوده، از عموم محرومیت قاتل از ارث مستثناست و قاتل از زوجه ارث می‌برد.

**کلیدواژه‌ها:** قتل، زوجه، زنا، فراش، اصل برائت.

\* فارغ التحصیل سطح سه حوزه علمیه قم و قاضی دادگستری تهران.

## مقدمه

قتل زوجه و اجنبی در حال زنا که از نظر مشهور فقها و طبق قانون مدون مجاز شمرده شده، با تحقق شرایطی است. اجنبی بودن مرد زانی - مشاهده مستقیم، بی‌واسطه و ناگهانی زنا توسط شخص زوج - تحقق زنا شرعی و تقارن زمانی بین مشاهده و قتل از جمله آن است که البته خالی از اشکال نیست. مخالفت با اصل برائت و با موازین حقوق بشر - اجازه قتل به مدعی زنا (زوج) آن هم در شرایطی که هنوز ادعایش در محکمه ثابت نشده - بررسی ادعای مذکور در زمانی که طرف این ادعا در قید حیات نیست و نمی‌تواند از خود دفاع کند، چگونگی اثبات ادعای شوهر و نبودن راه تخلص زوج به دلیل فقدان ادله اثباتی، از جمله این اشکالات است.

## شرایط جواز قتل در فراش

### ۱. وجود رابطه زوجیت

با توجه به فتاوی فقها و ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی، وجود رابطه زوجیت یکی از شرایط ضروری اعمال جواز قتل است. رابطه زوجیت با اجرای صیغه عقد نکاح آغاز می‌شود و با طلاق، فسخ و یا فوت یکی از زوجین (در نکاح موقت با انقضای مدت) به پایان می‌رسد. زوج در صورت قتل زوجه خویش یا مرد اجنبی یا هر دوی آنها، به استناد ماده ۶۳۰ قانون مذکور، از مجازات معاف شناخته خواهد شد. در صورت انحلال این رابطه حقوقی، خواه به علت طلاق یا فسخ یا هر علت دیگر، مرد نمی‌تواند در صورت روبه‌رو شدن با چنین صحنه‌ای و قتل مرد اجنبی یا همسر سابق خود، از معافیت مندرج در این ماده استفاده کند. به موجب فقه غنی شیعه (محقق حلی، *شرایع الاسلام* ۱۴۰۱: ۲/۲۶۶ - ۳۰۹) و قانون مدنی، نکاح بر دو نوع است: ۱. نکاح دائم؛ ۲. نکاح منقطع (متعه). هر چند قانون‌گذار به صراحت نکاح

دائم را تعریف نکرده، ولی با توجه به ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی<sup>(۱)</sup> که مربوط به نکاح منقطع است، تعریف نکاح دائم روشن می‌گردد. اگرچه نکاح دائم و منقطع در آثار متعددی با یکدیگر تفاوت دارند، ولی تمایز ماهوی و تفاوت اصلی میان آن دو این است که در نکاح منقطع، زن و مرد تصمیم می‌گیرند به طور موقت با هم ازدواج کنند، و پس از پایان مدت اگر مایل به ادامه آن بودند آن را تجدید می‌کنند و گرنه با انقضای مدت از هم جدا خواهند شد. درحالی که مقتضای طبع نکاح دائم، دوام و همیشگی بودن است (محقق داماد، حقوق خانواده ۱۳۷۴: ۲۱۱). با توجه به مراتب فوق، فروع ذیل بررسی می‌شود:

#### الف. شمول زوجیت بر نکاح موقت

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا رابطه همسری که از شرایط ضروری جواز قتل زوجه و اجنبی در فراش است، شامل رابطه همسری حاصل شده از نکاح منقطع نیز می‌گردد یا خیر؟ در پاسخ باید گفت: از آنجا که در عبارات فقها (اذا وجد مع زوجته رجلاً... یا لو وجد مع زوجته...) کلمه «زوجه» به طور مطلق به کار رفته و همچنین ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی اطلاق دارد و شرعاً و قانوناً عنوان همسر بر مرد و زنی که به واسطه نکاح منقطع تشکیل خانواده داده‌اند، صدق می‌کند. نکاح دائم و منقطع در آثار با یکدیگر مشترک‌اند (به جز برخی آثار و احکام مانند مهر و نفقه) و نیز احادیثی که مبنای صدور چنین حکمی قرار گرفته است، فرقی بین این دو نکاح نگذاشته است. می‌توان گفت این ماده، رابطه همسری به دست آمده از نکاح موقت را نیز در برمی‌گیرد. به علاوه، بیشتر فقهایی که این فتوا را صادر کرده‌اند به صراحت آن را شامل نکاح منقطع نیز دانسته‌اند. مرحوم شهید ثانی در کتاب *الروضه البهیة*، بعد از اینکه این قول مشهور را بین اصحاب اعلام می‌کند، می‌گوید: «ولا فرق فی الزوجه بین الدائم و المتمتع بها؛ در زوجه بین دائم و موقت

فرقی نیست.»<sup>(۲)</sup>

مرحوم شهید اول نیز در دروس در ذیل این بحث می‌فرماید:

و فی اشتراط الدوام نظر أقربہ المنع، فیجوز إقامته فی المؤجل؛ اینکه آیا در زوجه دوام شرط است یا نه بحث است، که نزدیک به صواب منع اشتراط است، پس اقامه حد بر زوجه موقت جایز است (شهید اول، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه ۱۴۱۰: ۲/ ۴۹).

### ب. شمول زوجیت بر مطلقه رجعیه

سؤال دیگری که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا اگر مردی همسر مطلقه خود را در مدت عدّه رجعیه با مرد اجنبی در حال زنا مشاهده کند، با توجه به اینکه حق رجوع در مدت عدّه برای او محفوظ است، در صورت قتل یک یا هردوی آنها می‌تواند به استناد ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی از جرم ارتكابی برائت حاصل نماید یا خیر؟ برخی بر این نظرند که جواب این سؤال منفی است، زیرا عقد نکاح با اجرای صیغه طلاق گسیخته شده و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد و تجویز شارع بر امکان رجوع در مدت عدّه باعث نمی‌شود که زن همچنان همسر شرعی و قانونی مرد محسوب گردد. بنابراین، هرگاه شوهر سابق که عیال خود را مطلقه کرده، در زمان عدّه مرتکب قتل یا ضرب و جرح وی یا زانی به دلیل ارتكاب زنا شود، از مجازات معاف نخواهد بود (محسنی، دوره حقوق جزای عمومی ۱۳۷۶: ۳/ ۲۵۴). اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی خود در این مورد می‌گوید:

ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی، ناظر به زوجه‌ای است که مطلقه نشده باشد و تعمیم آن به نحوی که شامل مطلقه معتده رجعیه هم بشود تفسیر موسع قانون است که در جزایات مجاز نیست. بنابراین، قتل زن مطلقه در عدّه رجعیه توسط شوهر سابق از لحاظ جواز قتل، در قانون نیامده است و بین فقها هم اختلاف نظر وجود دارد (رحیمی

اصفهانی، مجموعه قانون مجازات اسلامی معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۲: ۳۰۶.

در مقابل نظر یادشده، عده‌ای قائل‌اند چون زنی که به طلاق رجعی مطلقه می‌شود، در مدت عده مانند زمان نکاح دائم، استحقاق نفقه دارد، توارث میان او و شوهر آن برقرار است، مرد نمی‌تواند در ایام عده با خواهر او ازدواج کند، در خروج از منزل باید از شوهر استیذان نماید و در غیر این صورت ناشزه محسوب می‌شود و به طور کلی تمام احکامی که بر زوجه دائمه مترتب است، بر او نیز مترتب خواهد بود (محقق داماد، همان: ۴۲۸ به نقل از دست‌گشاده، همان: ۱۵۲). و با عنایت به اینکه چنانچه زوج یا زوجه در مدت عده طلاق رجعی مرتکب زنا شوند، در صورت علم به حکم و موضوع، حد رجم بر آنان اجرا می‌گردد<sup>(۳)</sup> (زیرا تا انقضای مدت عده طلاق رجعی، مرد یا زن از حالت احصان خارج نمی‌شوند). و بالاخره با توجه به تفسیر به نفع متهم در امور کیفری، به نظر می‌رسد شوهر در صورت مشاهده همسر خود با مرد اجنبی در حال زنا در زمان عده رجعی و قتل یا ضرب و جرح یک یا هر دو آنها، می‌تواند از معافیت مندرج در ماده یادشده استفاده کند.<sup>(۴)</sup>

### ج. شمول زوجیت بر زوجه غیرمدخوله

سؤال دیگری که مطرح می‌شود آن است که آیا در موضوع مورد بحث لازم است زوجه مدخوله باشد یا حکم مذکور (جواز قتل) شامل زوجه غیرمدخوله هم می‌شود. از کلمات فقهای قائل به جواز قتل، عدم فرق استفاده می‌شود. بعضی از فقها به صراحت اعلام کرده‌اند که در این مورد بین زوجه مدخوله و غیر مدخوله فرقی نیست. صاحب ریاض (طباطبایی: همان). مرحوم صاحب جواهر (نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام ۱۲۶۶: ۲۱/۳۸۹). شهید ثانی (شهید ثانی، الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة ۱۴۰۳: همان). صاحب مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد

الاذهان و صاحب الدر المنصود از این دسته می‌باشند (گلیپایگانی، الدر المنصود ۱۴۱۲: ۱/۴۱۹). مرحوم شهید اول در این مورد می‌فرماید: «و لا یشرط فی الزوجة الدخول؛ در زوجه دخول شرط نمی‌باشد» (شهید اول، همان). در بین فقها کسی دیده نشده که قائل به شرط بودن باشد.

## ۲. اجنبی بودن مرد زانی

منظور از اجنبی، هر مردی غیر از شوهر شرعی و قانونی زن است. بنابراین، همین قدر کافی است که شوهری زن خود را با مرد دیگری در حال زنا ببیند. فرض قضیه نیز روشن است، زیرا زن نمی‌تواند غیر از شوهر قانونی خود، با مرد دیگری رابطه جنسی مشروع داشته باشد. مرد به محض مشاهده وی با دیگری در حال زنا طبیعتاً وقوع زنا را محقق می‌داند. فرضی که دور از ذهن است ولی محال نیست و امثال و نظایر آن در میان پرونده‌های دادگستری ملاحظه می‌شود. این است که زن با داشتن شوهر، خود را آزاد قلمداد کرده و به عقد ازدواج مرد دیگری درآمده باشد. در اینجا سه فرض متصور است:

۱. شوهر اول، زوجه اش را (همسر قانونی و شرعی اش) با شوهر دومش (مردی که از نظر شرعی و قانونی شوهر وی قلمداد نمی‌شود، زیرا طبق مواد ۱۰۵۰ و ۱۰۵۱<sup>(۵)</sup> قانون مدنی نکاح با زنی که در قید زوجیت دیگری است) باطل است) در حال مواجهه می‌بیند و به قتل یک یا هر دوی آنها مبادرت می‌کند.

۲. شوهر دوم، زوجه تصوری خود را با شوهر واقعی او در حال مواجهه مشاهده می‌کند و مرتکب قتل یک یا هر دوی آنها می‌شود.

۳. هر کدام از این دو شوهر، زوجه را با شخص سوم در حال زنا مشاهده می‌کند و مرتکب قتل یک یا هر دوی آنها می‌شود.

در مورد فرض اول باید گفت چنانچه شوهر واقعی با چنین صحنه‌ای روبه‌رو

شود و مرتکب قتل همسر خود گردد، ظاهراً از مجازات، اعم از قصاص یا دیه، معاف است. اما در صورت قتل مرد اجنبی (شوهر فرضی دوم) باید قائل به تفکیک شد؛ یعنی چنانچه شوهر واقعی از وجود ازدواج بین زوجه خود و مرد اجنبی بی‌خبر باشد، از قصاص معاف، اما ملزم به پرداخت دیه مقتول است، زیرا در این فرض علت معافیت شوهر از مجازات قصاص به استناد اجازه قانونی مندرج در ماده ۶۳۰ ق.م.ا نیست، چون این ماده شامل زانی و زانیه‌ای می‌شود که مستحق مجازات می‌باشند؛ یعنی خواسته باشند اوامر و نواهی الهی (قانون) را نقض کنند، در حالی که چنین چیزی در مورد مرد اجنبی ناآگاه از وجود نکاح سابق مصداق ندارد و عمل وی در واقع وطی به شبهه است که هیچ مجازاتی در قانون به همراه ندارد.

علت معافیت شوهر در این فرض جهل به موضوع است که از عوامل رافع مسئولیت کیفری است. اما اگر از ازدواج مرد اجنبی با زوجه خود و جهل مرد اجنبی به نکاح سابق زوجه مطلع شود، ولی با وجود این، مرتکب قتل وی گردد نمی‌تواند به استناد ماده ۶۳۰ ق.م.ا از مجازات معاف گردد، بلکه عمل از مصادیق قتل عمدی مستوجب قصاص است، زیرا منظور قانونگذار از عبارت «در حال زنا»، زانی است که مستحق مجازات باشد نه وطی به شبهه. اگر هم قائل شویم که منظور مقنن از زنا، اعم از زنا مستوجب مجازات و زنا غیر قابل مجازات، مانند وطی به شبهه یا زنا مکره است، باید بپذیریم در مواردی هم که شوهر زوجه خود را با شخص صغیر یا مجنونی در حال زنا مشاهده کند، می‌تواند مرتکب قتل آنها شود، در حالی که صغیر و مجنون در صورت ارتکاب هر جرمی از مسئولیت کیفری مبرا هستند.

دلیل دیگر اینکه خود قانونگذار، قتل یا ضرب و جرح زانیه مکره را جایز ندانسته، از این رو می‌توان از این مورد به عنوان قرینه استفاده کرد و نتیجه گرفت که در صورت وجود عوامل رافع مسئولیت کیفری برای هریک از زانی و زانیه قتل آنان جایز نیست و در صورتی که شوهر به قتل آنان اقدام کند، نمی‌تواند برای اخذ براءت

به ماده ۶۳۰ ق.م.ا استناد کند.

در مورد فرض دوم که شوهر دوم (شوهر ظاهری) مرتکب قتل شوهر واقعی می‌شود می‌توان گفت: از آنجا که در واقع امر، عنوان شوهر بر او صدق نمی‌کند - زیرا نکاح با زنی که در قید زوجیت دیگری است باطل می‌باشد - ظاهراً نمی‌تواند در صورت ارتکاب قتل شوهر واقعی، به استناد ماده ۶۳۰ قانون مذکور خود را تبرئه کند، زیرا آنچه در ماده مذکور منظور است وجود رابطه زوجیت شرعی و قانونی است. اما شوهر فرضی دوم به استناد جهل به موضوع (جهل به وجود نکاح سابق) از مجازات قصاص معاف است، هرچند به همان دلایلی که در فرض اول گفته شد، ملزم به پرداخت دیه است. در مورد قتل زوجه نیز همین حکم جاری است.

درباره فرض سوم هم باید گفت: اگر شوهر اولی (شوهر قانونی) زوجه خود را با مرد اجنبی در حال زنا ببیند و مرتکب قتل یک یا هردوی آنها شود، با تجویز ماده ۶۳۰ ق.م.ا از جرم ارتكابی برائت حاصل خواهد کرد، اما در مواردی که شوهر دوم (شوهر تصوری) با صحنه خیانت همسر خود روبه‌رو گردد و مرتکب قتل یک یا هردوی آنها شود نمی‌تواند به استناد ماده ۶۳۰ قانون مذکور، خود را از مجازات معاف سازد، زیرا شرعاً و قانوناً عنوان شوهر بر او صدق نمی‌کند و این ماده فقط به شوهر اختصاص دارد. در اینجا نیز شوهر دوم به خاطر جهل به موضوع، از مجازات قصاص معاف ولی ملزم به پرداخت دیه است. در تمام این موارد، وی در صورتی ملزم به پرداخت دیه است که نتواند طبق موازین شرعی، مهدورالدم بودن زانی یا زانیه را ثابت کند و الاً قصاص و دیه هردو ساقط می‌شود (تبصره ۲ ماده ۲۹۵ ق.م.ا).<sup>(۶)</sup>

### ۳. مشاهده زنا با مرد اجنبی

#### الف. مشاهده صحنه زنا به طور مستقیم و بی‌واسطه

آنچه از ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی و از فتاوی فقها به دست می‌آید این است



که زوج باید همسرش را با مرد اجنبی در حال زنا مشاهده کرده باشد تا جواز قتل صدق نماید. از این رو، دیدن فیلم و عکس از صحنه زنا مذکور، یا گفته دیگران، مجوز قتل نیست، هر چند برای زوج علم حاصل شود. فقها با استفاده از تعابیر «وجد» و «رأی» به لزوم مشاهده توسط زوج تصریح نموده و براین امر اتفاق نظر دارند. عبارت فقها چنین است:

و لو وجد مع زوجته رجلاً یزنی بها و علم بمطاعتها له فله قتلها؛ اگر زوج به همراه همسرش مردی را بیابد که با او زنا می‌کند و علم به تمکین زوجه داشته باشد می‌تواند هر دو را بکشد (فاضل هندی، کشف اللثام والابهام عن قواعد الاحکام ۱۴۱۶: ۱۰/۴۸۸؛ شوشتری، النجعة فی شرح اللمعة ۱۴۰۶: ۱۱/۵۸؛ طباطبایی، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل ۱۴۱۸: ۱۶/۲۷۶؛ شهید ثانی، رسائل ۱۴۲۱: ۲/۱۲۶؛ محقق حلی، شرایع الاسلام: ۱۴۶؛ شهید اول، غایة المراد فی شرح نکت الارشاد ۱۴۱۴: ۴/۲۰۸؛ فیض کاشانی، النخبة فی حکمة العملية والاحکام الشرعية ۱۴۱۸: ۱۷۹؛ گلیایگانی، همان).

البته این امر مربوط مرحله ثبوت است و در مرحله اثبات، زوج باید در صورت عدم تصدیق اولیای دم، مشاهده آنان در حالت زنا را در دادگاه با شهودی که اقامه می‌نماید اثبات کند (شهید ثانی، الروضة البهیة: همان؛ فاضل هندی، همان).

حال اگر زوج، زوجه و اجنبی را در پوششی متعارف مشغول اعمالی غیر از زنا مانند مضاجعه و تقبیل مشاهده کند، چون مشاهده در حال زنا نیست، حق قتل برای وی وجود ندارد. البته عبارت ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی سابق: «یا در حالتی که به منزله وجود یک فراش است» تعمیم را افاده می‌نماید؛ یعنی دایره شمول حکم معافیت را به غیر زنا هم توسعه داده است که از نظر فقهی صحیح به نظر نمی‌رسد.

### ب. مشاهده توسط شخص زوج

این مشاهده فقط باید توسط شخص زوج باشد و مشاهده دیگران، هر چند برای وی علم ایجاد نماید، کافی نیست. اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی خود در این مورد می‌گوید: «آنچه در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی آمده است مخصوص موردی است که مرد، زن خود را با مرد اجنبی در حال زنا مشاهده کند و شامل مواردی که آنان را در حال زنا مشاهده نکرده است، نیست و لذا اگر مرتکب قتل شود به مجازات قانونی محکوم خواهد شد» (رحیمی اصفهانی، همان: ۳۰۶).

### ج. ثبوت زناي محرم برای زوج

از عبارت فقها: «لو وجد مع زوجته رجلاً یزنی بها» فهمیده می‌شود که باید برای زوج ثابت شود که عمل مذکور زناي محرم است و نه وطی به شبهه.

### د. ناگهانی بودن مشاهده

از ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی سابق استنباط می‌گردد که مشاهده باید ناگهانی باشد و حکم جواز قتل شامل موردی نمی‌شود که شوهر با اطلاع قبلی مترصد حصول موقعیت گردد یا خود زمینه‌سازی نماید تا آنها را غافلگیر نماید. رویه قضایی نیز تاکنون این گونه بوده است. دیوان عالی کشور نیز در رأی خود اعلام نموده که این ماده ناظر به موردی است که شوهر دفعتاً با آن وضعیت مواجه گردیده باشد (عبده، دادنامه شماره ۱۳۳۳ به تاریخ ۱۳۱۷/۶/۱۲؛ اصول قضایی دیوان کشور: ۲۱۵-۲۱۶، به نقل از محسنی، همان: ۳/۲۵۴). بعضی از حقوقدانان نیز چنین اظهار نظر نموده‌اند: «منظور از عبارت «مشاهده کند» در ماده ۶۳۰ مشاهده ناگهانی می‌باشد و قتل و ضرب و جرح که با سبق تصمیم صورت می‌گیرد مشمول این ماده نمی‌شود»<sup>(۷)</sup> یکی دیگر از حقوقدانان نیز در این مورد می‌گوید:

منظور از مشاهده، دیدن ناگهانی است، زیرا کلمه مشاهده از باب مفاعله و معنای برخورد ناگهانی را دارد، بنابراین، اگر مردی در کمین زن خود باشد، حق استفاده از این حق قانونی را ندارد (گلدوزیان، فحشا قانون مجازات اسلامی ۱۳۸۶: ۳۶۴).

یکی از فقهای معاصر در استفتای به عمل آمده از ایشان در این مورد می‌گوید: و همچنین زوج اگر خودش مقدمات زنا را فراهم کند در این صورت نیز نمی‌تواند زانی را بکشد.<sup>(۸)</sup>

در مقابل، عده‌ای دیگر معتقدند اطلاق ماده مذکور موردی را نیز که با طرح و نقشه قبلی انجام شود در بر می‌گیرد، چون منطق مقنن دفاع مشروع است. در عبارات فقها نیز به صراحت قید نشده است که آیا دیدن باید ناگهانی باشد یا دیدن صحنه با سبق تصمیم هم مشمول حکم است (مهرپور، سیری در مبانی فقهی حقوقی ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵: ۱۷۴ به نقل از شکری، قادر سیروس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی ۱۳۸۷: ۶۹۷).

#### ۴. تحقق زنا شرعی

یکی از شرایط جواز قتل زوجه و اجنبی، آن است که زوج همسر خود را در حال انجام عمل زنا ببیند و لازمه آن این است که وی معنای زنا را بداند. به عبارت دیگر، هر عمل زناشویی با مرد اجنبی زنا نیست تا زوج بتواند نسبت به قتل اقدام نماید. در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی که از فقه گرفته شده، آمده است:

زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که بر او ذاتاً حرام است اگرچه در دبر باشد، در غیر موارد وطی به شبهه.

فقها در تعریف زنا گفته‌اند:

تحقق زنا موجب حد به این است که انسان آلت اصلی مردانگی‌اش را در عورت زنی که اصالتاً بر او حرام است داخل نماید، بدون عقد

ازدواج دائم یا منقطع و بدون ملک بودن قابله برای فاعل و بدون تحلیل و بدون شبهه با شرایطی که بیان آن می‌آید (اسلامی، ترجمه تحریرالوسیله بی تا: ۴/ ۱۷۳).

در ترمینولوژی حقوق آمده است:

زنا مقاربت در آلت تناسلی زن است که بر وی حرام اصلی (نه عارضی، مانند حیض) است. دخول به قدر حشفه محقق زنا است ولو با حائل باشد. مدخوله ممکن است عاقله یا دیوانه باشد مکرهه باشد یا نباشد (جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق ۱۳۸۶: ۳/ ۲۱۰۱).

بنابراین، وقتی زوج می‌تواند نسبت به قتل اقدام نماید که بدانند عمل مذکور مصداق زنا است و علم به آن قبل از بررسی و شنیدن اظهارات اجنبی مشکل است. چون همان‌طور که گفته شد، اگر زوجه خود را به دروغ بی‌شوهر معرفی کند و اجنبی به تصور آنکه وی خالی از موانع نکاح است صیغه ازدواج را جاری نماید یا مورد از مصادیق وطی به شبهه باشد، در چنین مواردی عمل وی گناه نبوده و مستحق مجازات نیست (مکارم شیرازی، توضیح المسائل، بی تا: مسئله ۲۱۰۲ و ۲۱۰۳؛ اراکی، توضیح المسائل ۱۳۷۱: مسئله ۲۴۷۰ و ۲۴۷۱). البته برخی از فقها به جای به کار بردن لفظ «زنا»، تعبیر به «مجامعت» آورده‌اند (مقدس اردبیلی، همان).

## ۵. تقارن زمانی بین مشاهده و قتل یا ضرب و جرح

آیا باید بین مشاهده صحنه زنا با قتل زانی و زانیه تقارن زمانی باشد یا چنین شرطی لازم نیست؟ بعضی از فقها تصریح نموده‌اند که زوج می‌تواند بعد از زمان مشاهده نیز آنان را به قتل برساند و لازم نیست قتل در همان حال باشد. شهید ثانی در این مورد می‌فرماید:

هرکس به همراه همسرش مردی را ببیند که با او زنا می‌کند، می‌تواند هر دو را در آن زمان یا بعد از آن به قتل برساند.<sup>(۹)</sup>

بعضی از فقهای معاصر نیز در این مورد به صراحت به عدم تقارن زمانی حکم نموده‌اند. یکی از فقها در این مورد می‌گوید:

قتل، مختص زمان نزدیکی نمی‌باشد، بلکه شامل زمان بعدی نیز می‌شود، مثل آنکه زوج آن دو را در زمان زنا ببیند. سپس آن دو نفر فرار کنند. در این صورت می‌تواند بعداً نیز آنان را به قتل برساند.<sup>(۱۰)</sup>

آیت‌الله موسوی اردبیلی نیز قائل به این قول است،<sup>(۱۱)</sup> اما بیشتر فقها حکم مسئله را به طور مطلق بیان نموده و به قتل در زمان مشاهده یا بعد از آن اشاره نکرده‌اند.

اما از نگاه قانون مجازات اسلامی، با توجه به منطوق ماده ۶۳۰ و شرط آن «در همان حال آنان را به قتل برساند» به خوبی استنباط می‌گردد که قتل یا ضرب و جرح باید در حین عمل زنا واقع شود نه پس از آن. بنابراین، اگر زوج پس از وقوع عمل، از آن مطلع شود، صرف‌نظر از آنکه خود مشاهده نکرده، چون بین زمان عمل مذکور و زمان اقدام به قتل تقارن زمانی نیست، حق قتل ندارد. یا در مواردی که زوج شاهد صحنه زنا باشد، اما به هر علتی، مانند نداشتن آلات قتل، موفق به قتل در آن زمان نشود، پس از اتمام عمل مذکور این حق برای وی وجود ندارد. همچنین اگر زوج به قتل اقدام کند ولی زانی از صحنه فرار نماید، زوج حق قتل وی را ندارد، چون مصداق قتل در حال زنا نیست. این شرط در قانون مجازات عمومی سابق نیز برای استفاده از معافیت مندرج در ماده ۱۷۹ ضروری بوده است. یکی از محققان در این مورد می‌گوید:

از این ماده، ارتکاب قتل فی المجلس زنا استنباط می‌گردد؛ یعنی قتل باید در حین مشاهده عمل صورت گیرد. قید «در همان حال» مؤید این مطلب است. بدیهی است که منظور از «همان حال»، ارتکاب قتل در زمان وقوعه است. فلذا در صورتی که در آن زمان اقدامی نکند و پس از مدتی (مثلاً فردای آن روز) با فراهم نمودن تمهیداتی زن و مرد یا یکی از آنها را بکشد مصداق این ماده نبوده و موجب معافیت

نمی‌باشد (مهرپور، همان: ۱۷۴، به نقل از قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، همان).

دیوان عالی کشور نیز درباره ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی سابق تقارن زمانی را ضروری دانسته، و در رأی شماره ۲۴۷ مورخ ۱۳۱۶/۱۱/۱۰ آورده است: معافیت قاتل ..... وقتی محرز است که در فراش و مانند آن مشاهده و بلافاصله اقدام به قتل شود (وزیری، معافیت‌های قانونی و تحلیلی از ماده ۱۷۹ قانون مجازات ایران ۱۳۵۲: ۴۴، به نقل از: دست‌گشاده همان: ۱۶۲).

#### ۶. وجود شرایط عامه مسئولیت کیفری در زانی و زانیه

مقصود از شرایط عامه مورد نظر، وجود قصد (اراده و اختیار) بلوغ و عقل است که هرگاه یکی از آن شرایط در زوجه یا اجنبی مفقود باشد، زوج مجاز به قتل نیست. در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی و در فتاوی فقها به یکی از شرایط (عدم اکراه) اشاره شده و ظاهراً بقیه شرایط مفروغ‌عنه دانسته شده است. اما به طور کلی سه صورت در مورد شرایط اخیر قابل تصور است:

۱. زوجه (زانیه) و اجنبی (زانی) هر دو با رضایت مرتکب عمل مذکور شده باشند. این مورد از مصادیق و افراد اجلای فتاوی فقها و قانون است.
۲. زن توسط اجنبی اکراه شده باشد. به این مورد در قانون و فتاوی فقها تصریح شده که زوج فقط می‌تواند اجنبی را به قتل برساند (ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی؛ فاضل هندی، همان: ۴۸۷؛ نجفی، همان؛ امام خمینی، همان؛ کاشف الغطا، همان؛ مشکینی، الفقه الماثور ۱۴۱۸: ۱/ ۴۹۸). اگر اجنبی موفق به فرار گردد، باز هم چون به عنف مرتکب زنا شده است مستحق اعدام است. اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر زوج در این فرض زوجه را به قتل

برساند چه حکمی دارد. به نظر می‌رسد اگر اکراه زن به نزدیکی روشن باشد و با وجود این، زوج به قتل وی اقدام کند، قتل وی مجاز نیست و مشمول عموماً قتل است. اگر هم اکراه زن روشن نبوده و زوج در تشخیص تمکین زوجه دچار اشتباه شده باشد، به نظر می‌رسد چون مبنای اقدام وی استناد به ماده مذکور بوده، عمل وی مستوجب قصاص نیست، ولی چون مرتکب قتلی شده که قانون آن را تجویز نکرده (به دلیل عدم تمکین)، باید دیه قتل را به اولیای دم پرداخت نماید. ۳. زن، مرد اجنبی را به عمل زنا وادار نماید. در قانون و فتاوی مشهور فقها به این مسئله اشاره نشده است.

البته صاحب الدر المنصود فرض اکراه زوجه به زوج را مطرح نموده و در این صورت قتل را جایز ندانسته است.<sup>(۱۲)</sup> با رجوع به قواعد عمومی نیز می‌توان گفت در این صورت نیز اگر زوج، اجنبی اکراه شده را به قتل برساند، مانند فرض قبلی، مشمول قصاص یا پرداخت دیه می‌گردد (رحمدل، مقاله جنبه عمومی قتل عمد، مجله حقوقی دادگستری ۱۳۸۵). اما با توجه به اینکه اکراه، همیشه توأم با سروصدا و اعلان عمومی نیست و چه بسا فرد اکراه شده (زوجه مثلاً) قبل از حضور زوج، مورد ضرب و شتم و تهدید قرار گرفته و به اجبار تسلیم شده باشد و زوج در زمان حضور فقط حالت اخیر را مشاهده نموده باشد، از این رو، احراز رضای زوجه نیز دشوار است و تا زمانی که زوج، تمکین زوجه را احراز نکرده، مجاز به قتل نیست.

#### ۷. عدم اختصاص حکم به محسن یا محصنه

همان‌طور که در نظر قائلان به جواز آمده است و با توجه به علت و فلسفه وضع آن که مهدورالدم بودن ذکر نگردیده، مقصود از زانی یا زانیه در اینجا اعم از مشمولان احسان و غیر آن است، هر چند مجازات افراد مجرد در قانون، صد تازیانه و افراد متأهل فاقد شرایط احسان، عدم رجم است.<sup>(۱۳)</sup>

البته همان‌طور که قبلاً گفته شد، برخی بزرگان از جمله مرحوم شیخ در مبسوط این حکم را مختص محصن و محصنه می‌دانند.<sup>(۱۴)</sup>

## آثار و احکام مترتب بر قتل در فراش

### ۱. مقابله زانی و زانیه در برابر حمله شوهر

در جایی که شخصی همسر خود را با مرد اجنبی در حال زنا مشاهده می‌نماید و در آن حالت به آنها حمله می‌کند، در صورتی که در قبال حمله شوهر، زانی یا زانیه نیز در مقام دفاع برآیند و شوهر را مقتول یا مجروح نمایند، آیا عمل آنها از مصادیق دفاع مشروع محسوب می‌شود؟ به عبارت دیگر، آیا می‌توان آنها را با این استدلال که چون خود را با خطر حتمی الوقوع مواجه دیده و در مقام دفاع از خود مرتکب قتل یا ضرب و جرح شوهر شده‌اند، از مجازات معاف دانست؟ در این مورد، ابتدا این سؤال را با توجه به ماده ۱۷۹ ق.م.ع سابق و سپس با توجه به ماده ۶۳۰ فعلی پاسخ خواهیم داد.

در مواد مربوط به دفاع مشروع در قانون ۱۳۰۴، ابتدایی بودن حمله از شرایط دفاع مشروع به حساب نیامده بود و رویه قضایی نیز چنین شرطی را لازم نمی‌دانست. از این رو، دفاع در قبال حمله، اعم از اینکه مسبوق به تحریک مدافع بود یا نه، در صورت تجمع شرایط دیگر، دفاع مشروع محسوب می‌شد. دفاع در قبال حمله‌ای که شوهر علیه زن خود یا زانی یا هر دوی آنها مرتکب می‌شد، نیز یکی از این موارد بود (صمدی ماده ۱۷۹ قانون مجازات ایران و مقایسه آن با شق ۲ از ماده ۳۲۴ قانون مجازات فرانسه ص ۶۵، به نقل از دست‌گشاده، همان: ۱۶۴).

اما مطابق بند ۳ ماده ۴۳ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲، یکی از شرایط اساسی مشروعیت دفاع این بود که حمله در نتیجه تحریک خود مدافع صورت نگرفته باشد (چنین شرطی اکنون در قانون مجازات اسلامی وجود ندارد). بنابراین،



چون حمله شوهر به زن و مرد اجنبی در نتیجه تحریک ناشی از عمل آنها بوده است، از این رو اگر یکی از آنها یا هر دو در مقام دفاع بر می‌آمد و مرتکب جرمی علیه تمامیت جسمانی شوهر می‌گردید، عنوان دفاع مشروع بر عمل آنان صدق نمی‌کرد و قابل تعقیب و مجازات بودند (آزمایش، بررسی تحلیلی از ماده ۱۷۹ قانون کیفر همگانی، مجله حقوق مردم، شماره ۳۷ و ۳۸: ۴۷، به نقل از دست‌گشاده همان: ۱۶۵).

حال اگر چنین موردی اکنون که ماده ۶۳۰ حاکم است، رخ دهد، چون دفاع در برابر جرم، مشروع است و در برابر تهاجماتی که قانون آنها را موجه دانسته و وصف مجرمانه را از آنها سلب کرده، دفاع مشروع تلقی نمی‌شود، و از آنجا که ماده ۶۳۰ ق.م.ا. با آوردن لفظ «می‌تواند»، وصف مجرمانه را از عمل شوهر برداشته است (برخلاف ماده ۱۷۹ ق.م.ع. سابق که همچنان عمل شوهر را جرم می‌دانست)، در صورتی که زوجه یا مرد اجنبی یا هر دوی آنها در برابر تهاجم شوهر به دفاع از جان خود بپردازند و شوهر را مضروب کنند یا به قتل برسانند، عمل آنها جرم محسوب می‌شود و نمی‌توانند به استناد مواد مربوط به دفاع مشروع، از مجازات رهایی یابند؛ همان‌طور که مقاومت در برابر قوای دولتی که در حدود وظایف قانونی خود انجام وظیفه می‌کنند، مشروع تلقی نمی‌شود، زیرا خود مقنن با حکم به انجام این وظایف، عنصر قانونی را از بین برده است.

در اینجا چند سؤال مطرح می‌شود:

### الف. دفاع زوجه در برابر حمله زوج در فرض عدم تمکین وی

هرگاه زن مجبور به انجام عمل زنا شده، ولی شوهر وی از این امر بی‌اطلاع باشد و با مشاهده او در حال زنا به او حمله‌ور شود، چنانچه زوجه برای دفاع از خود اقدامی علیه تمامیت جسمانی شوهر نماید، آیا مرتکب جرم شده است؟ از آنجا که در این مورد عمل شوهر از شمول ماده ۶۳۰ ق.م.ا. خارج بوده و جرم محسوب

می‌شود - زیرا این ماده اجازه قتل یا ضرب و جرح زانیه مکره را به شوهر نداده است - از این رو دفاع در برابر یک جرم، صورت گرفته که طبق قانون چنین دفاعی مشروع محسوب می‌شود. ممکن است گفته شود چون شوهر از وجود اکراه آگاه نبوده (جهل به موضوع)، از این رو عمل او جرم نیست تا دفاع در برابر آن مشروع محسوب شود. در پاسخ باید گفت: جهل به موضوع، یکی از عوامل رافع مسؤلیت کیفری است و دفاع در برابر تهاجم جاهل نیز مشروع و قانونی بوده و هیچ مسؤلیتی اعم از کیفری و مدنی به دنبال نخواهد داشت.

#### **ب. دفاع شوهر قانونی (تصوری) در برابر حمله شوهر واقعی**

در صورتی که مرد اجنبی به شوهردار بودن زن جاهل باشد؛ یعنی زن، او را راجع به آزاد بودن خود از مواعع نکاح مغرور و اغفال کرده باشد، در این مورد چنانچه مرد اجنبی (شوهر دوم) در برابر تهاجم شوهر واقعی به دفاع از خود بپردازد و این دفاع به قتل یا ایراد ضرب و جرح شوهر واقعی منجر گردد، آیا عمل وی از مصادیق دفاع مشروع است؟ جواب این سؤال را به طرح سؤالی عکس سؤال بالا منوط می‌کنیم: چنانچه شوهر مرتکب قتل مرد اجنبی جاهل می‌شد، آیا مشمول ماده ۶۳۰ قرار می‌گرفت؟ به نظر ما، همان‌طور که گفته شد، این ماده، قتل مرد جاهل را برای شوهر تجویز نکرده، اما از آنجا که شوهر از این امر (جهل مرد اجنبی به شوهردار بودن زوجه) بی‌اطلاع بوده، می‌تواند به استناد جهل به موضوع که از عوامل رافع مسؤلیت است، از مجازات رهایی یابد.

با توجه به این پاسخ، جواب سؤال بالا روشن می‌شود. چون عمل شوهر در تهاجم مرد اجنبی از مشمول ماده ۶۳۰ خارج می‌شود و وصف مجرمانه پیدا می‌کند، دفاع در برابر آن مشروع است.

### ج. کمک شخص ثالث به زانی در فرض جهل وی به زانی بودن

قانونگذار در تبصره ماده ۶۱ ق.م.ا.<sup>(۱۵)</sup> به افراد اجازه دفاع از شخص ثالث در برابر تهاجمات مجرمانه را، با رعایت شرایط دفاع مشروع، داده است. حال فرض کنیم مردی زوجه خود را با اجنبی در حال زنا مشاهده نموده و در صدد قتل آنان برآمده است و ثالثی که از مقدمات امر بی اطلاع است به کمک زانی آمده و دفاع وی به قتل شوهر منجر شود. سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است: آیا عمل شخص ثالث (مدافع) از مصادیق دفاع مشروع است؟ به نظر می رسد اگرچه ثالث با اثبات جهل به مقدمات امر، از مجازات قصاص معاف و فقط ملزم به پرداخت دیه است، اما از آنجا که عمل شوهر جرم نبوده (با تجویز ماده ۶۳۰)، دفاع در برابر آن هم نمی تواند از مصادیق دفاع مشروع تلقی شود، زیرا همان طور که گفته شد، دفاع در برابر عملی که جرم است مشروع تلقی می شود و عمل زوج در قتل آن دو طبق مجوز شرعی و قانونی است.

### ۲. حکم قانون راجع به همدستان شوهر در قتل زانی و زانیه

#### الف. قتل با مباشرت شوهر و معاونت شخص ثالث

قانون مجازات اسلامی معاونت را تعریف نکرده است، اما با توجه به مصادیق معاونت که به طور حصری در ماده ۴۳ ق.م.ا. بیان شده است می توان گفت: معاون کسی است که در انجام عنصر مادی جرم هیچ دخالتی ندارد، ولی به یکی از صورتهایی که در قانون پیش بینی شده، مجرم را در ارتکاب جرم یاری می دهد. حال چنانچه شخص با انجام یکی از موارد احصا شده در ماده ۴۳ ق.م.ا. به شوهر در قتل زانی یا زانیه و یا هر دوی آنها کمک کند، آیا عمل وی جرم و از مصادیق معاونت در قتل عمدی است؟ طبق ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲، پاسخ حقوقدانان به این سؤال این بود که چون مقنن وصف مجرمانه را از عمل شوهر سلب نکرده،

بلکه به علت تحریک و تهییج روحی، شوهر را از مجازات معاف دانسته و این معافیت فقط به شوهر اختصاص دارد، از این رو عمل ثالثی که به شوهر در جرم قتل کمک نموده، عنوان معاونت در قتل عمدی را دارد. در تأیید این نظر می‌توان به ماده ۴۴ ق.م.ا. استناد کرد. این ماده مقرر می‌دارد:

در صورتی که فاعل جرم به جهتی از جهات قانونی قابل تعقیب و مجازات نباشد و یا تعقیب و یا اجرای حکم مجازات او به جهتی از جهات قانونی موقوف گردد، تأثیری در حق معاون جرم نخواهد داشت.

اما همان‌طور که گفته شد، مقنن جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۵ با تصویب ماده ۶۳۰ و ذکر عبارت «می‌تواند...»، عنصر قانونی را زائل و عمل شوهر را مباح دانسته است. بنابراین، از آنجا که معاونت یک جرم تبعی بوده و تحقق آن به تحقق جرم اصلی منوط است و با توجه به اینکه عمل اصلی (قتل توسط شوهر) جرم نیست، معاونت نیز موضوعاً منتفی است، زیرا معاونت در انجام عمل مباح، عنوان کیفری ندارد.

### **ب. قتل با مباشرت شخص ثالث و معاونت شوهر**

برای مثال، شوهر به اتفاق شخص ثالث با صحنه خیانت همسر خود روبه‌رو می‌شود و شخص ثالث را تحریک و تشویق به قتل زانی یا زانیه یا هر دوی آنها می‌کند و یا با پرداخت مبلغی پول، وی را به قتل آنان تطمیع می‌کند. در چنین مواردی سرنوشت کیفری شوهر و شخص ثالث چه خواهد بود؟ به نظر می‌رسد در چنین فرضی، هم شوهر و هم شخص ثالث مرتکب جرم شده‌اند و نمی‌توانند برای مباح دانستن عمل خود به ماده ۶۳۰ استناد کنند. جرم شخص ثالث، قتل عمدی و جرم شوهر، معاونت در قتل عمدی است، زیرا این ماده به حکم قتل یا ضرب و جرح توسط شوهر اختصاص دارد، آن هم به صورت مباشرت. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که قانونگذار با چه منطقی مباشرت در انجام عملی را برای شوهر مباح ولی معاونت در

آن عمل را برای او جرم می‌داند؟ در پاسخ باید گفت: از آنجا که حکم قتل زوجه و اجنبی در فراش، یک حکم استثنایی است، باید به قدر متیقن اکتفا نمود و در بقیه موارد به اصول مراجعه کرد. جرم شوهر معاونت در قتل عمدی است که مقنن ارتکاب آن را برای وی جایز ندانسته است. البته ممکن است شوهر و شخص ثالث به استناد ماده ۲۲۶ ق.م.ا. از مجازات رهایی یابند.

### ج. شرکت شوهر و شخص ثالث در قتل زانی و زانیه

در تحریرالوسیله حضرت امام علیه السلام در تعریف شرکت در قتل آمده است:

شرکت در قتل به این تحقق پیدا می‌کند که هر یک از آنها چیزی را انجام دهد که اگر به تنهایی بود او را می‌کشت.<sup>(۱۶)</sup>

ماده ۲۱۵ ق.م.ا. نیز مقرر می‌دارد:

شرکت در قتل زمانی تحقق پیدا می‌کند که کسی در اثر ضرب و جرح عده‌ای کشته شود و مرگ او مستند به عمل همه آنها باشد؛ خواه عمل هر یک به تنهایی برای قتل کافی باشد، خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد، خواه متفاوت.

در فرضی که زانی و زانیه در حین ارتکاب زنا با مشارکت شوهر و شخص ثالث به قتل رسیده‌اند و عمل آنها از مصادیق ماده ۲۱۵ ق.م.ا. باشد، وضعیت قضایی شوهر و شخص ثالث چه خواهد بود؟ به نظر می‌رسد عمل شوهر از مصادیق ماده ۶۳۰ است و وی مجرم شناخته نمی‌شود، اما چون این ماده فقط به شوهر اختصاص دارد، شخص ثالث مرتکب جرم شرکت در قتل عمدی شده که مجازات آن مجازات فاعل مستقل این جرم، یعنی قصاص، است و اولیای دم زوجه یا مرد اجنبی می‌توانند با پرداخت سه چهارم دیه کامل (در صورتی که مقتول زن باشد) یا یک دوم آن (در صورتی که مقتول مرد باشد) به شخص ثالث، وی را قصاص نمایند (رک: تحریرالوسیله: ۲/ مسئله ۴۵ و ۴۹، کتاب قصاص: ۴۹۱ و ۴۹۲). البته در این مورد هم

ممکن است به استناد ماده ۲۲۶ ق.م.ا. از مجازات معاف گردد.

### ۳. محدود بودن واکنش شوهر به دو جرم قتل و ضرب و جرح

در ماده ۶۳۰ ق.م.ا. فقط جرائم علیه تمامیت جسمانی مورد اشاره مقنن واقع شده و مضمون معافیت مذکور در این ماده قرار گرفته است. ممکن است سؤال شود حکم جرائمی که احتمالاً شوهر علیه تمامیت معنوی یا اموال زن یا مرد اجنبی مرتکب می‌شود، چیست؛ مثلاً هرگاه شوهر اموال و البسه متعلق به مرد اجنبی یا زوجه خود را از بین ببرد یا مرتکب فحاشی یا افترا به او گردد یا آنان را توقیف کند، با اینکه این جرائم خفیف‌تر از جرم قتل است، آیا می‌توان به استناد این ماده، وی را مجرم ندانست و عمل او را مباح و قانونی تلقی کرد؟

برخی معتقدند اگرچه به ظاهر، حکم ماده ۶۳۰ فقط ناظر به جرائم علیه تمامیت جسمانی زن یا زانی یا هر دوی آنهاست، ولی با توجه به دو نکته زیر، معافیت مقرر، هرگونه جرمی را که از ناحیه شوهر، با جمع شرایط لازم، ارتکاب یافته باشد، شامل می‌شود:

۱. مقنن، مهم‌ترین جرائمی را که ممکن است از طرف شوهر ارتکاب یابد، ذکر کرده و از اشاره به جرائمی که در مقام مقایسه اهمیت کمتری دارد، خودداری کرده است.

۲. از باب قاعده تفسیر به نفع متهم در موارد ابهام و اشکال، در جایی که مقنن قتل عمد را از مجازات معاف کرده، ولی به جرائم علیه اموال یا تمامیت جسمانی اشاره نکرده، باید مورد تردید را به نفع متهم تفسیر کرد و وی را در صورت ارتکاب این قبیل جرائم نیز از مجازات معاف دانست (آزمایش، بررسی تحلیلی از ماده ۱۷۹، به نقل از: دست‌گشاده همان: ۱۷۱).

اما به نظر می‌رسد با توجه به ماده ۶۳۰ که صرفاً قتل و ضرب و جرح را از

مجازات معاف دانسته است و اینکه هیچ جرمی را نمی‌توان مباح و جایز شمرد مگر در مواردی که قانون چنین حکم کند، ارتکاب جرائم دیگری از ناحیه شوهر، هرچند ضعیف‌تر از جرائم قید شده در ماده ۶۳۰ باشد، قابل عفو نبوده و مجوز قانونی نخواهد داشت.

#### ۴. وضعیت ارث زوج قاتل از زوجه مقتوله

ماده ۸۸۰ قانون مدنی،<sup>(۱۷)</sup> یکی از موانع ارث را قتل مورث پیش‌بینی کرده است. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا شوهری که همسر خود را با مرد اجنبی در حال زنا مشاهده می‌کند و مرتکب قتل زوجه خود می‌شود، شایستگی خود را برای ارث بردن از زوجه (مقتوله) از دست می‌دهد یا خیر. در پاسخ باید گفت: صرف قتل مورث توسط وارث مانع از ارث نیست، بلکه در صورتی مانع است که قتل دو ویژگی داشته باشد:

#### الف. عمدی بودن قتل

ماده ۸۸۰ قانون مدنی، شرط حرمان از ارث را عمدی بودن قتل می‌داند. پس مرتکب باید هم قصد فعل داشته باشد و هم قصد نتیجه (قصد جنایت). در صورتی که وارث به کاری عمدی دست زند که به طور معمول کشنده باشد، چنین فرض می‌شود که او نتیجه عادی کار خود (قتل) را می‌خواسته است. به کار بردن آلت کشنده (قتاله)، نمونه چنین اقدامی است. همچنین اگر وارث با استفاده از پیری یا ناتوانی یا بیماری‌های روانی مورث، به اقدامی دست زند که نسبت به او کشنده باشد، قتل در حکم عمد است (کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی (ارث) ۱۳۷۶: ۱۰۸ به نقل از دست‌گشاده همان: ۱۷۲).

## ب. نا مشروع بودن قتل

برای محروم ساختن وارث، عمدی بودن قتل کافی نیست، بلکه باید احراز شود که قتل عمد نامشروع بوده است. در مرحله ثبوت، هر قتلی نامشروع است، مگر اینکه به دلیلی قانون آن را مباح بداند. ماده ۸۸۱ قانون مدنی (ماده ۸۸۱ قانون مدنی)، «در صورتی که قتل عمدی مورث به حکم قانون یا برای دفاع باشد مفاد ماده فوق (ماده ۸۸۰) مجری نخواهد بود». دو عامل را از اسباب اباحه قتل شمرده است: ۱. حکم قانون؛ ۲. دفاع مشروع (کاتوزیان، همان: ۱۱۱ به نقل از: دست‌گشاده همان: ۱۷۳).

درست است که قتل زوجه توسط شوهر در اوضاع و احوال پیش‌بینی شده در ماده ۶۳۰، قتل عمدی است، اما چون خود مقنن اجازه چنین اقدامی را به شوهر داده، وصف نامشروع بودن را از عمل شوهر سلب نموده است. در واقع، اجازه مقنن در ماده ۶۳۰ در ذیل عنوان «حکم قانون» قرار می‌گیرد که طبق ماده ۸۸۱ قانون مدنی از اسباب اباحه قتل احصا شده است (یعنی سببی که شوهر را در صورت قتل مورث از ارث ممنوع نمی‌سازد). بنابراین، قتل زوجه و اجنبی در فراش، به علت فقدان ویژگی نامشروع بودن، نمی‌تواند شوهر را از ارث محروم کند.

دلیل دیگر اینکه علت و فلسفه تعیین قتل به عنوان یکی از موانع ارث در فقه اسلامی و به پیروی از آن در ماده ۸۸۰ قانون مدنی، از بین بردن انگیزه ارتکاب قتل در فرضی است که وارث به طمع دستیابی به ثروت مورث به آن دست می‌زنند. چنین انگیزه‌ای در ذهن شوهر به هنگام قتل زوجه خود در اوضاع و احوال پیش‌بینی شده در ماده ۶۳۰ وجود ندارد. حضرت امام علیه السلام در تحریر الوسیله ضمن برشمردن پنج عامل از موانع ارث، در مورد عامل بودن قتل می‌گوید:

قاتل از مقتول در صورتی که قتل عمداً و ظلماً باشد ارث نمی‌برد، ولی اگر او را به حق کشته باشد ارث می‌برد، مثل آنکه قتل او به سبب قصاص یا اجرای حد و یا به خاطر دفاع از جان یا آبرو یا مال صورت



گرفته باشد.<sup>(۱۸)</sup>

بدیهی است قتل زوجه توسط زوج در موضوع مورد بحث، یا به‌خاطر اجرای حد الهی و یا از باب دفاع مشروع است که به تفصیل به آن پرداخته شد. صاحب کتاب جامع الخلاف و الوفاق نیز این مطلب را اجماعی می‌داند.<sup>(۱۹)</sup>

### ۵. چگونگی اثبات ادعای شوهر

همان‌طور که گفته شد، چنانچه مردی زوجه خود را با مرد اجنبی در حال زنا مشاهده و به قتل یک یا هر دوی آنها اقدام کند، اگر بر ادعای خود دلیل اقامه نماید، تبرئه و در غیر این صورت قصاص می‌شود. در فقه اسلامی، دلایلی که شوهر می‌تواند با ارائه آنها موجبات معافیت خود را فراهم سازد، محدود به بینه (چهار شاهد عادل) و تصدیق ادعای قاتل توسط ولی دم است. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که چنانچه بین ایراد صدمه به زانی یا زانیه (عنصر مادی) و قتل آن دو (نتیجه) فاصله زمانی باشد و در این فاصله، مضروب به ارتکاب زنا اقرار کند و پس از اقرار نزد حاکم و قبل از اجرای حکم حاکم، بر اثر همان ضربه فوت نماید، آیا این اقرار دلیلی برای تبرئه شوهر محسوب می‌شود یا خیر؟ سؤال دیگر این است که آیا قاضی می‌تواند برای اثبات ادعای شوهر به علم خود استناد کند. جواب سؤال اول به طور قطع مثبت است، اما از آنجا که اقرار عبارت از اخبار به حقی برای غیر بر ضرر خود است (قانون مدنی، ماده ۱۲۷۵). اقرار مضروب فقط نسبت به خود او نافذ بوده و شوهر فقط نسبت به قتل وی تبرئه می‌شود. ولی اگر شوهر مرتکب قتل هر دوی آنها شود و یکی از آنها بلافاصله فوت کند و دیگری برای مدتی در قید حیات باشد و در این اثنا به ارتکاب زنا اقرار کند و پس از اقرار نزد حاکم، با شرایط آن، فوت نماید، این اقرار فقط شوهر را از ارائه بینه در مورد قتل مقرر، بی‌نیاز می‌سازد؛ یعنی نسبت به قتل وی، در حق او قصاص اجرا نمی‌شود و به واسطه این

اقرار از جرم ارتكابی تبرئه می‌شود. اما این اقرار در حق مقتولی که اقرار نکرده یا اصلاً فرصت اقرار نداشته، هیچ تأثیری ندارد و شوهر مجبور به ارائه دلیلی دیگر برای رهایی از مجازات است.

در مورد سؤال دوم، قبل از هر چیز باید گفت: حقوق جزای اسلامی، تابع نظام ادله قانونی است و برای اثبات جرائم مختلف راههای ویژه‌ای تعیین کرده است. برای مثال، در جرائم زنا، شرب خمر و قذف، دلیل اثبات جرم به شهادت شهود و اقرار منحصر نشده است. بنابراین، قاضی برای اثبات این جرائم می‌تواند به علم خود هم مراجعه و استناد نماید.<sup>(۲۰)</sup> در قانون فعلی کشورمان، علم قاضی به موجب ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی پذیرفته شده و قاضی اجازه دارد که در جرائم حق الله و حق الناس به علم خود عمل نماید. اینکه قانونگذار در ماده ۶۳۰ از دلیل یا دلایل خاصی نام نبرده است، در واقع در این مورد، نظام آزادی تحصیل دلیل را پذیرفته و با توجه به اینکه عدم پذیرش علم قاضی به عنوان یکی از دلایلی که موجبات برائت شوهر را فراهم می‌کند، تفسیری است به ضرر متهم که در حقوق کیفری پذیرفته نیست، از این رو به نظر می‌رسد در مواردی که شوهر مرتکب قتل زوجه یا مرد اجنبی شده و بیینه و تصدیق ولی دم وجود ندارد، ولی امارات و قرائنی وجود داشته باشد مانند نظر پزشک قانونی مبنی بر اینکه بین آن دو چنین عملی انجام شده (برای مثال، وجود منی مرد اجنبی در رحم زوجه) و سایر امارات برای قاضی علم به وقوع عمل زنا بین آن دو ایجاد کند، وی می‌تواند با استناد به علم خود، شوهر را از اتهام انتسابی تبرئه نماید. البته منظور از علم قاضی، علم شخص وی نیست، بلکه علمی است که از طرق متعارف حاصل شده باشد، به گونه‌ای که برای قاضی دیگر نیز این علم را حاصل کند. آنچه گفته شد، مقتضای تفسیر به نفع متهم است که در حقوق جزا پذیرفته شده است.

برخی از فقهای قدیمی اهل سنت هم بر این باورند که وقتی امارات و قرائنی

ادعای شوهر را تصدیق کند، برای مثال، پزشکی قانونی وجود رابطه نامشروع را ثابت کند یا مقتول مشهور به زناکاری باشد و مانند آنها، قاضی باید قول یا ادعای شوهر را قبول و وی را تبرئه نماید (الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البیت علیهم السلام: ۱۴۱۹: ۶۵/۵ به نقل از: دست گشاده، همان: ۱۷۶). یکی از نویسندگان شیعه در این مورد می‌گوید:

چنانچه شوهر در چنان وضعیتی همسر خود را با مرد اجنبی ببیند و به قتل آنان اقدام کند، باید بر ادعای خود بینه بیاورد. البته اقامه بینه به آن صورت که در سابق در موضوعات مختلف بحث شد در بحث فعلی ما ممکن نیست، بلکه در این مورد به وجود قرائن معقوله کفایت می‌شود و تشخیص این موضوع بر حسب عادت، زمان و محیط بر عهده خبره و حاکم خواهد بود (عباس‌زاده اهری، قوانین جزائی و قضائی در اسلام ۱۳۵۹: ۳۰۲).

آیت‌الله موسوی اردبیلی، از فقهای معاصر، در جواب استفتای به عمل آمده از وی که آیا این اقرار باید عندالحاکم باشد یا اقرار در نزد دیگران یا در مراجع انتظامی یا قضات دادسرا هم صحیح است، می‌گوید:

اگر اقرار زانی با شرایط آن برای حاکم شرع ثابت شود، نسبت به برائت زوج قاتل از جهت کشتن زانی کفایت می‌کند، هرچند این اقرار در غیر محکمه نباشد.

وی در جواب این استفتا که اگر برای قاضی علم حاصل شود که زنا واقع شده است، آیا موجب برائت زوج از قصاص می‌گردد، می‌گوید: «به علم خود عمل می‌کند و از قصاص او را نجات می‌دهد.» آیت‌الله علوی گرگانی نیز شبیه همین عبارات را در جواب استفتایی بیان نموده است.<sup>(۲۱)</sup>

از آنچه گفته شد، نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. شوهر در صورت قتل مرد اجنبی یا زوجه یا هر دوی آنها در اوضاع و احوال

مندرج در فقه و قانون، برای استفاده از معافیت پیش‌بینی شده در آنها، باید وجود شرایط ذیل را به اثبات برساند: وجود رابطه زوجیت؛ اجنبی بودن مردی که با زن در حالت زنا مشاهده می‌شود؛ تحقق زنا به معنایی که در ماده ۶۳۰ ق.م.ا. آمده است؛ مشاهده صحنه زنا توسط شوهر؛ تقارن زمانی بین مشاهده صحنه زنا و قتل یا ایراد ضرب و جرح؛ وجود شرایط عامه مسئولیت کیفری در زانی و زانیه.

۲. چنانچه زانی و زانیه در مقابل حمله شوهر به دفاع از خود پردازند، به خاطر مشروع بودن حمله شوهر، عمل آنان از مصادیق دفاع مشروع نخواهد بود.

۳. این معافیت به شوهر اختصاص دارد و سایر شرکا را در بر نمی‌گیرد.

۴. قتل زوجه توسط زوج هرچند عمدی است، اما چون زوج از طرف شارع مقدس مأذون به حساب می‌آید، وی را از ارتکاب محروم نمی‌سازد.

۵. واکنش شوهر هنگام روبه رو شدن با چنین صحنه‌ای به دو عمل قتل و

ضرب و جرح محدود بوده و در صورت ارتکاب جرم دیگر مسئول است.

## شباهت مربوط به مسئله و نگاه برون‌دینی به آن

### ۱. مخالفت با اصل برائت

یکی از محققان در این مورد می‌گوید:

اصل برائت که می‌توان آن را میراث مشترک حقوقی همه ملل متمدنی جهان محسوب کرد، در یکی دو قرن اخیر و به ویژه پس از جنگ جهانی دوم مورد اقبال و عنایت خاص حقوقدانان و قانونگذاران در حقوق داخلی کشورها و نیز موضوع اعلامیه‌ها و کنوانسیونها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گرفته است. از مطالعات تاریخی چنین بر می‌آید که در گذشته‌های دور و حتی تا یکی دو قرن اخیر، جز در برخی نظامهای حقوقی (مانند حقوق اسلام) فرض برائت متهمین

لااقل در پاره‌ای از اتهامات پذیرفته نبوده است (آشوری، مقاله اصل برائت و آثار آن در امور کیفری در کتاب عدالت کیفری (مجموعه مقالات) ۱۳۷۶: ۱۳۸).

این اصل یکی از اصول مسلم آیین دادرسی اعم از کیفری و حقوقی است و در اصل ۳۷ قانون اساسی با این عبارت بیان شده است:  
اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود.

در امور کیفری، اصل برائت دارای آثار و نتایجی است که از آن جمله می‌توان به حق دفاع متهم، تفسیر به نفع متهم عندالشک و حق داشتن وکیل برای متهم اشاره نمود (دست‌گشاده همان: ۱۸۲).

به نظر می‌رسد ماده ۶۳۰ ق.م.ا. برخلاف اصل برائت که از اصول پذیرفته شده در قانون اساسی است، تنظیم شده است، زیرا این ماده به شوهر اجازه داده که قبل از ثبوت جرم زانی یا زانیه در دادگاه صالح مجازات را اعمال نماید. با توجه به پذیرش اصل برائت و آثار آن در نظام حقوقی کشورمان، این سؤال مطرح می‌شود که چرا به زانی و زانیه بزهکار نباید حق دفاع (همان: ۱۴۴). داده شود، در حالی که امروزه در تمام دنیا و حتی در کشور خودمان به بزرگ‌ترین و وحشی‌ترین جنایتکاران، اجازه دفاع داده می‌شود و حتی از طرف دادگاه برایشان وکیل تسخیری تعیین می‌شود. مقنن جمهوری اسلامی که بر این باور است با دادن اجازه حق دفاع به متهم و حضور وکیل مدافع در دادگاه و رعایت سایر مقررات دادرسی می‌توان به یک دادرسی عادلانه دست یافت، چگونه قتل دو انسان را بدون آنکه قادر به دفاع از خویش باشند، به دست یک انسان فاقد صلاحیت، در جهت اجرای عدالت می‌داند!

با توجه به اصل ۷۲ قانون اساسی که به موجب آن، مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون

اساسی مغایرت داشته باشد و با در نظر گرفتن اصل ۹۸ همان قانون که تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات مجلس با قانون اساسی را بر عهده اکثریت اعضای شورای نگهبان گذاشته است، جا داشت که شورای نگهبان به استناد مغایرت این ماده با اصل ۳۷ قانون اساسی، از تصویب آن جلوگیری می‌کرد.

## ۲. مخالفت با موازین حقوق بشر

ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌دارد:

تمام افراد بشر (اعم از زن و مرد) از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند و هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز از حیث... جنس... از تمام حقوق و کلیه آزادیها... بهره‌مند گردد.

و در ماده ۱۱ همین اعلامیه آمده است:

هرکس به بزهکاری متهم شده باشد، بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمینهای لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد.

هر دو میثاق بین‌المللی (مدنی - سیاسی و اجتماعی - فرهنگی ۱۹۶۶) نیز به تعهد کشورهای عضو راجع به محترم شمردن حقوق افراد بدون هیچ‌گونه تمایز جنسی اشاره دارد و بر تنفیذ این حقوق در قوانین اساسی داخلی تأکید نموده است. همچنین کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان، مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ضمن روشن ساختن منظور خود از عبارات «تبعیضات علیه زنان»<sup>(۲۲)</sup> در ماده ۲ این کنوانسیون، تبعیض نسبت به زنان به هر شکل را محکوم کرده و هفت دستور را جزء تعهدات دولتها قرار داده است:

۱. پیش‌بینی مقررات مبتنی بر تساوی زن و مرد در قوانین اسلامی.

۲. پیش‌بینی ضمانت اجرای جزایی در قوانین داخلی.

۳. حمایت قضایی و تضمین حقوق مساوی زن و مرد در مراجع قضایی و عمومی.

۴. الزام دستگاههای دولتی در خودداری از رفتار تبعیض آمیز نسبت به زنان و رعایت آن توسط تمام مقامات و نهادها.

۵. اقدامات متناسب برای حذف تبعیض عملی نسبت به زنان توسط هر فرد، سازمان و یا کارگاه.

۶. اصلاح و نسخ قوانین و مقررات مبین تبعیض نسبت به زنان.

۷. لغو کلیه مقررات کیفری که تبعیضات علیه زنان را در بر دارد (هاشمی، بررسی تطبیقی حقوق اساسی زن در نظام داخلی و بین المللی، مجله تحقیقات حقوق دانشگاه شهید بهشتی (دانشکده حقوق) ۱۳۷۴: شماره ۱۵/۲۷۲ - ۲۷۳).

به نظر می رسد ماده ۶۳۰ ق.م.ا. بدون توجه به پیام این اعلامیه ها و کنوانسیونها تنظیم شده و با در نظر گرفتن حق اجرای مجازات برای شوهر و عدم آن برای زوجه، در واقع به یک تبعیض تن داده که در نتیجه آن، زوجه از حقوق و تضمیناتی که در سطح داخلی و بین المللی برای وی در نظر گرفته شده، محروم گردیده است. برخی از این نابرابریها و یا به عبارت دیگر تفاوتهایی که در این مورد بین مقررات داخلی و بین المللی مشاهده می شود، ناشی از وجود موانع دینی و مذهبی است. باید دانست آنچه مربوط به مسلمات و محکومات دین است غیر قابل تغییر است. لکن در مواردی چون قتل زوجه و اجنبی در حال زنا که در شرعی بودن آن به دلیل وجود مخالفان و قائلان به تفصیل، شک و تردید وجود دارد و هیچ ضرورت اجتماعی هم وجود آن را ایجاب نمی کند، مقنن می تواند با عدم احیای آن، گامی در جهت کاهش تعارضات حقوق داخلی با حقوق بین المللی بردارد.

### ۳. نبود راه تخلص زوج به دلیل فقدان ادله اثباتی

در مبحث مبانی تعبدی قتل در فراش، بیان شد که همه فقها در مسئله قتل زوجه و اجنبی در حال زنا، گفته اند: چنانچه شوهر بر ادعای خود بینة اقامه کند و یا اولیای

دم مقتول ادعای وی را بر زنای اجنبی با زوجه تصدیق نمایند، وی تبرئه و در غیر این صورت به مجازات قتل عمدی محکوم می‌شود. جا داشت مقنن نه تنها به لزوم اثبات این امر از سوی شوهر اشاره می‌نمود، بلکه به طور حصری ادله اثباتی را بیان می‌نمود - که آیا فقط اقامه بینه از سوی زوج، وی را از مجازات مبرا می‌کند (همان‌طور که گاه در نظر قدما بیان شده) یا دیگر ادله مثبتی در آیین دادرسی کیفری هم سبب برائت وی می‌شود- تا شوهر در صورت روبه‌رو شدن با صحنه پیش‌بینی شده در این ماده، فقط در صورت وجود ادله اثباتی، به قتل یا ضرب و جرح اقدام می‌کرد. همان‌طور که در مورد سرقت، لواط، زنا و... به لحاظ اهمیت آن، در مواد ۶۸-۷۵-۷۶-۱۰۵-۱۱۴-۱۱۸-۱۲۰ و دیگر مواد مربوط، راههای اثبات آن بیان گردیده و فقط به آیین دادرسی کیفری اکتفا نشده است.

مقنن با تنظیم این ماده به صورت یاد شده، در واقع دامی برای شوهر تدارک دیده که ناخواسته در آن خواهد افتاد و با ارتکاب قتل یا ضرب و جرح، خود را در معرض نابودی قرار خواهد داد.



## ضمائم

### استفتائات

متن استفتای به عمل آمده از فقها به شرح ذیل است:

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی ...

سلام علیکم؛ احتراماً خواهشمند است نظر شریف خود را در رابطه با  
سؤالات ذیل بیان فرمایید:

۱. چنانچه زوج مشاهده نماید مرد اجنبی در حال زنا با همسرش  
می‌باشد، آیا مجاز به قتل آنان است یا باید به محاکم مراجعه کند؟
۲. در صورت مجاز بودن، آیا بین محصن بودن زانی و زانیه و عدم  
آن فرق است یا خیر؟
۳. آیا بین آنکه این عمل در منزل مشترک زوج صورت گیرد و یا  
در مکان دیگر فرق است؟
۴. آیا مشاهده زوج تأثیری در حکم دارد یا علم وی از طریق دیگر  
نیز کفایت می‌کند؟
۵. آیا فقط در زمان وقوع زنا حق کشتن دارد یا بعداً نیز چنین  
حقی برایش هست؟
۶. آیا این حکم فقط نسبت به زنای همسرش با اجنبی جاری  
است یا شامل باقی محارم نیز می‌گردد؟
۷. در صورت امکان، مبانی فقهی حکم به جواز یا عدم جواز را  
بیان فرمایید.
۸. آیا بین عبارت رای و وجد که در تعابیر فقهای عظام آمده فرقی  
می‌باشد؟
۹. آیا این دیدن توسط زوج باید ناگهانی باشد یا اگر زوج خودش

مقدمات زنا را فراهم نموده باشد و سپس در هنگام زنا تصمیم به قتل آن دو گرفته باشد، حق قتل آن دو را دارد؟

۱۰. در فرضی که زوجه (که دارای شوهر است) خود را بی‌شوهر معرفی و با شخص دیگری ازدواج نماید (شوهر دوم از همه چیز بی‌اطلاع باشد) حال:

الف. اگر زوج واقعی، زوجه را با شخص دوم ببیند و اقدام به قتل نماید، از حیث جواز قصاص و دیه تکلیف چیست؟

ب. اگر زوج دوم، زوجه را با زوج اول در حال عمل زناشویی ببیند، از حیث جواز قتل، قصاص و دیه تکلیف چیست؟

ج. اگر زوج دوم، زوجه را با شخص ثالثی ببیند تکلیف چیست؟  
۱۱. چنانچه بین ایراد ضرب به زانی و زانیه و فوت آنان فاصله بیفتد و در این بین آنان اقرار به زنا نمایند، آیا این اقرار موجب برائت زوج (قاتل) از قصاص می‌شود؟

۱۲. آیا این اقرار باید عندالحاکم باشد یا اقرار در نزد دیگران یا در مراجع انتظامی یا قضات دادسرا هم صحیح می‌باشد؟

۱۳. اگر برای قاضی علم حاصل شود که زنا واقع شده، موجب برائت زوج از قصاص می‌گردد؟

با تشکر و آرزوی طول عمر آن مقام معظم  
محمدرضا محمدی قاضی مجتمع قضایی بعثت (تهران)

جوابیه فقها به شرح ذیل به ترتیب حروف الفبا ذکر می‌شود:

#### ۱. جوابیه آیت‌الله دوستی زنجانی

۱. در فرض سؤال، کشتن زانی بدون مراجعه به حاکم در واقع برای زوج جایز است، ولی در ظاهر طبق قوانین قضا قصاص می‌شود، اما اگر چهار شاهد برای وقوع زنا آورد قصاص نمی‌شود.
۲. ظاهراً فرقی نیست.

۳. فرقی نیست.
۴. علم از غیر طریق مشاهده کافی نیست.
۵. این حق احتیاطاً اختصاص به زمان وقوع دارد.
۶. شامل سایر محارم نیست.
۷. می‌شود به اطلاق مقامی در صحیحۀ داود بن فرقد تمسک کرد.
۸. مراد از هر دو ظاهراً دیدن زناست.
۹. در فرض ذکر شده حکم جاری نیست.
۱۰. الف. اگر شوهر اول بداند که شوهر دوم از قضیه بی‌اطلاع است، نمی‌تواند او را بکشد و اگر بکشد قصاص می‌شود، و چنانچه او را زانی بداند، در ظاهر جایز است او را بکشد، ولی اگر شاهد اقامه کرد و قضیه را ثابت کرد، باید دیه بدهد، و اگر ثابت نکرد، قصاص می‌شود.
- ب. اگر زوج اول را اجنبی بداند، در ظاهر می‌تواند او را بکشد، ولی اگر قضیه را با آوردن شاهد ثابت کرد، دیه می‌دهد و اگر ثابت نکرد، قصاص می‌شود.
- ج. در ظاهر می‌تواند شخص ثالث را بکشد و چنانچه برای وقوع زنا شاهد آورد، قصاص نمی‌شود و اگر نتوانست ثابت کند، قصاص می‌شود.
۱۱. برائت زوج از قصاص با آوردن چهار شاهد است، ولی در فرض سؤال نیز قصاص مشکل است.
۱۲. اگر اقرار - هر چند پیش دیگران باشد - برای حاکم ثابت شد، قصاص زوج مشکل است.
۱۳. برای قاضی، در صورت حصول علم به وقوع زنا، قصاص زوج مشکل است.

## ۲. جوابیه آیت‌الله صافی گلپایگانی

۱. به طور کلی چنانچه کسی شخصی را در حال زنا با زوجه خودش ببیند، شرعاً حق دارد زانی را بکشد و همچنین حق دارد زانیه (زوجه)

را بکشد، در صورتی که علم داشته باشد که زوجه مجبور به عمل زنا نبوده و این عمل با رضایت اوست و همچنین نسبت به زانی باید علم داشته باشد که زانی می‌دانسته که زوجه شوهر دارد و با این حال زنا نموده. لکن قاتل باید اثبات کند که مقتول را در حال زانی با زوجه‌اش دیده و اقدام به قتل نموده است و مجرد تصور وجود رابطه نامشروع، آن هم از نوع غیر زنا، مجوز قتل زوجه نیست و همچنین است اگر رابطه نامشروع غیر زنا مقرون به صحت هم باشد.

۲ و ۳. فرقی نیست.

۴. باید در حال زنا رؤیت شود و علم کافی نیست.

۵. بعداً نمی‌تواند.

۶. مخصوص همسر است.

۷. به کتب مربوطه مبسوطه مراجعه شود.

۸. ظاهراً مراد از هر دو یکی است.

۹. در موردی که خود العیاذ بالله مقدمات این عمل شنیع را فراهم کند، وجد و رأی نمی‌باشد، قهراً کشتن برای او جایز نیست.

۱۰. الف. دیه قتل بر مباشر قتل است.

۱۱. ب. چنانچه با احراز شرایط شوهر را کشته باشد، دیه بر عهده

مباشر قتل است و در مورد زوجه، چون خود مرد اغراء به جهل نموده، و چوب دیه محل اشکال است.

۱۰. ج. از جواب مسائل قبلی روشن می‌شود.

۳. **جوابیه آیت‌الله صانعی**

**بسمه تعالی**

سلام علیکم؛

ج. به نظر این جانب قتل مرد و زن در مورد سؤال (یعنی جایی که مردی ببیند که اجنبی با زنش زنا می‌کند) حسب قواعد معتبره شرعیه و

عقلیه جایز نمی‌باشد، چون در عین آنکه زوجه و مرد اجنبی هر دو گناهکار و معصیتکار و خائن می‌باشند و مرتکب زنا شده‌اند و مستحق حد می‌باشند و حد آن هم (حسب قواعد با احصان) رجم است و با عدمش جلد و در رجم خون هدر است، اما دلیلی بر هدر مطلق دم اجنبی و زوجه گر چه هر دو محصن هم باشند، نداریم و هدر دم آنها در محکمه و به حکم حاکم است نه برای هر کس؛ مانند زانیهای محصن دیگر که فقط در محکمه مهدورالدم‌اند. پس بر هدر دمشان نسبت به دیگران و لو زوجی که حالت زناى اجنبیه را ببیند، دلیلی نداریم و حسب عموم ادله قصاص، قاتل محکوم به قصاص می‌باشد مطلقاً و لو این که بتواند زناى مرد با زوجه‌اش که دیده ثابت نماید و روایت ابی مخلد اگر چه بر نظر این جانب حجت نباشد، لااقل از آنکه مؤید است و بر حسب نظر این جانب مناقشه ذکر شده در سؤال مدفوع است.

#### ۴. جوابیه آیت‌الله علوی گرگانی

بسمه تعالی.

به نظر ما نباید دست به قتل بزند، گرچه اگر آنها را بکشد و بتواند ثابت کند که در این حال آنها را دیده، قصاص نمی‌شود. تفاوتی نمی‌کند. فرق نمی‌کند.

این حکم مختص به مشاهده است. فقط در همان هنگام - مختص به زوجه است. روایاتی در این زمینه وارد شده است که می‌توانید به جواهرالکلام جلد ۴۲ مراجعه نمایید.

ظاهراً عبارت اخری از دیگری است. جایز نیست اگر زمینه‌چینی کرده باشد.

قبلاً توضیح داده شد که اقدام به قتل نکند، ولی اگر می‌دانسته که مرد فکر می‌کرده که این زن شوهر ندارد، حق کشتن آن مرد را نداشته و لذا اگر با این فرض کشته بعید نیست که قصاص شود گرچه احتیاط در تصالح به دیه است.

اگر نداند و او را بکشد قصاص نمی‌شود.

با فرض آنکه زوج دوم نمی‌داند که این زن همسر دارد و به صورت ظاهر همسر این مرد است اگر زن و مرد ثالث را بکشد قصاص نمی‌شود.

با این فرض مرد قصاص نمی‌شود.

اقرار باید مثبت حکم باشد؛ یعنی باید کسانی شهادت به اقرار دهند و الا اصل اقرار باید عندالحاکم باشد.

به علم خود عمل می‌کند و از قصاص او را نجات می‌دهد.

#### ۵. جوابیه آیت‌الله مکارم شیرازی

با اهداء سلام و تحیت؛

جواب: اولاً: تنها به عقیده ما، زانی را می‌توان به قتل رساند نه زانیه را و این حکم احتیاج به مراجعه به قاضی ندارد، ولی اگر زوج نتواند مطلب را با دلیل کافی (شهادت شهود یا اقرار زانی یا علم قاضی) اثبات کند، گرفتار قصاص خواهد شد. ثانیاً: این حکم مخصوص زوجه است و زانی که علم به زنا داشته باشد و شامل موارد دیگر نمی‌شود. وجد و رأی به یک معنی است و این امر تنها مجوز کشتن زانی است ولی جواز قتل زانیه ثابت نیست و ثانیاً هرگاه زوجه، خود را بدون شوهر معرفی کند و نفر دوم او را به عقد خود درآورد، کشتن او نیز جایز نیست و همچنین زوج اگر خودش مقدمات زنا را فراهم کند در این صورت نیز نمی‌تواند زانی را بکشد. همیشه موفق باشید (لازم به ذکر است معظم‌له جواب تمام سؤالات را به تفکیک مرقوم

نفرمودند. دفتر ایشان اعلام نموده در هر نامه بیش از پنج سؤال مرقوم نفرمایید).

### ۶. جوابیه آیت الله موسوی اردبیلی

۱. فی حد نفسه، قتل زانی توسط زوج جایز است، احتیاج به اذن حاکم نیست، هر چند باید زنا را بتواند اثبات کند، ولی جواز قتل زوجه ثابت نیست.

۲ و ۳. فرقی ثابت نیست.

۴. مشاهده و معاینه زوج معتبر است و علم از طرق دیگر کافی نیست.

۵. ظاهراً بعداً نیز حق دارد.

۶. شامل بقیه محارم نمی شود.

۷. به فقه الحنوف ج ۱ مراجعه شود.

۸. مقصود از هر دو تعبیر در اینجا همان مشاهده و معاینه است.

۹. ممکن است حکم مسئله به حسب موارد و شرایط فرق کند.

مثلاً اگر زوجی از زنش بخواهد که برای پول در آوردن با مردها زنا کند و در حین زنا تصمیم به قتل زانی بگیرد، ظاهراً چنین حقی ثابت نیست، ولی اگر زوجی بداند زنش با دیگران ارتباط دارد و به جهت به دام انداختن آنها را در حال زنا ببیند و تصمیم به قتل زانی بگیرد، ظاهراً چنین حقی را فی حد نفسه دارد.

۱۰. الف. در فرض سؤال زوج دوم زانی نیست و طبعاً قتل او نیز مجاز نمی باشد، با این حال اگر زوج اول از دروغ زن خود و ازدواج آنها خبر نداشته و معتقد به زناى مرد مذکور بوده، در قتل مرد مذکور محکوم به پرداخت دیه است و الا محکوم به قصاص است. ب و ج. زوج ثانی باید دیه بدهد.

۱۱ و ۱۲. اگر اقرار زانی با شرایط آن برای حاکم شرع ثابت شود، نسبت به براءت زوج قاتل از جهت کشتن زانی کفایت می‌کند، هر چند این اقرار در غیر محکمه باشد.

۱۳. اگر علم قاضی از طرق عادی حاصل شده باشد، برای براءت زوج کافی است.

### ۷. جوابیه آیت‌الله نوری همدانی

با عرض سلام

ج ۱. از نظر شرعی می‌تواند هر دو را بکشد به شرطی که علم داشته باشد که خانم مکره نیست و با اختیار این گناه را انجام می‌دهد و اگر در دادگاه نتواند ثابت کند، خودش هم کشته می‌شود.

ج ۲. در فرض سؤال فرقی بین محصنه بودن و عدم احصان نیست.

ج ۳. فرقی ندارد.

ج ۴. علم کافی نیست، بلکه دیدن در آن حال معتبر است.

ج ۵. فقط این حق در حین عمل شنیع می‌باشد نه بعد از آن.

ج ۶. در باقی محارم چنین حقی ندارد. ذکر ادله این احکام در جای خودش باید ملاحظه شود.

حسین نوری همدانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## پی‌نوشتها

- (۱). ماده ۱۰۷۵: «نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد».
- (۲). شهید ثانی زین الدین ابن علی ابن احمد عاملی الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۴۰۳، ج ۹، ص ۱۲۳. فقهای دیگر از جمله مرحوم طباطبایی سید علی ابن محمد ابن ابی معاذ، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل ۴۱۸، ج ۱۶، ص ۲۷۶ و مقدس اردبیلی احمد ابن محمد در مجمع الفائده و البرهان، ۴۰۳، ج ۱۳، ص ۹۵، با اندک اختلاف در تعبیر، همین حکم را پذیرفته‌اند.
- (۳). (خویی مبانی تکمله المنهاج بی تا: ۴۱/۲۵۴) «المطلقة رجعیة زوجة مادامت فی العدة فلوزنت والحال هذه عالمة بالحکم والموضوع رجعت وکذا لک زوجها».
- (۴). از فقها آیت الله سید محمد حسینی شیرازی این بحث را مطرح نموده و معتقد است قتل زوجه با مرد اجنبی در زمان عده رجعیة توسط شوهر به هنگام مشاهده آنان در حال زنا، از مصادیق حکم موضوع ماده ۶۳۰ ق.م.ا. است؛ (ر.ک: کتاب الفقه: ۲۷۰/۸۷، به نقل از دست گشاده همان: ص ۱۵۲).
- (۵). ماده ۱۰۵۰: «هرکسی زن شوهردار را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح و یا زنی را که در عده طلاق یا در عده وفات است با علم به عده و حرمت نکاح برای خود عقد کند عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام مؤید می شود».
- (۶). به استفتائات به عمل آمده از فقهای عظام در آخر مقاله (ضمائم) مراجعه شود.
- (۷). کشاورز، بهمن، مجموعه محشای قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، ۱۳۷۵، ص ۶۸: «مقصود از مشاهده، دیدن ناگهانی است و اگر قتل با تمهید مقدمات و کمین نشست واقع شود مصداق ماده ۶۳۰ نیست».
- (۸). به فتوای آیت الله مکارم شیرازی در ضمائم مراجعه شود.
- (۹). (شهید ثانی، رسائل، همان: ۱۲۶۰، مسئله ۱۶ «من وجد مع زوجته رجلاً یزنی بها فله قتلها فی ذلک الوقت و بعده...»)

- (۱۰). (حسینی شیرازی، الفقه ۱۹۸۸: ۱۷ / ۲۷۴) «ثم القتل لا یخص وقت الوطی بل یشمل ما بعده کما اذا وجدہما ثم ہربا فانہ یتمکن من قتلہما ولو بعد حین»، بہ نقل از: دست‌گشاده، همان: ۱۶۱.
- (۱۱). بہ ضمائیم (استفتائات) مراجعہ شود.
- (۱۲). (گلبایگانی، همان) «إذا أطلع الزوج و رای من یزنی مع زوجته فأنہ یجوز لہ ان یقتلہما مع إحراز الموازین کالعلم بأنہ لا إکراه من ناحیة الزانی بالنسبة إلیہا أو بالعکس».
- (۱۳). (مادۂ ۸۶ قانون مجازات اسلامی) «زناى مرد یا زنی کہ ہر یک ہمسر دائمی دارد ولی بہ واسطۂ مسافرت یا حبس و مانند آنها از عذرہای موحہ بہ ہمسر خود دسترسى ندارد، موجب رجم نیست».
- (۱۴). اسامی فقہای قائل بہ اشتراط احصان قبلاً در مقالہ مبانی تعبدی جواز قتل در فراش از منظر امامیہ بیان شد.
- (۱۵). تبصرہ مادۂ ۶۱: ق.م.ا: «وقتی دفاع از نفس و یا عرض و یا مال یا آزادی دیگری جایز است کہ او ناتوان از دفاع بودہ و نیاز بہ کمک داشتہ باشد».
- (۱۶). (اسلامی، همان: ۴ / ۲۸۵) «تتحقق الشرکة فی القتل بان یفعل کل منہم ما یقتل لو انفراد».
- (۱۷). (مادۂ ۸۸۰ قانون مدنی: «قتل از موانع ارث است، بنابراین کسی کہ مورث خود را عمدتاً بکشد از ارث او ممنوع می‌شود اعم از اینکه قتل بالمباشرہ باشد یا بالتسبیب و منفرداً باشد یا با مشارکت دیگری».
- (۱۸). (امام خمینی، تحریرالوسیله بی‌تا: ۲ / ۳۵۰) «لا یرث القاتل من المقتول لو کان القتل عمداً و ظلماً، و یرث منہ ان قتله بحق، کما اذا کان قصاصاً او حداً او دفاعاً عن نفسه او عرضه او مالہ».
- (۱۹). (سبزواری، جامع الخلاف و الوفاق بین الإمامیة و بین أئمة الحجاز و العراق ۱: ۴۲۱ / ۱ / ۴۲۱) «ولا یرث القاتل عمداً مقتوله علی وجه الظلم علی ما بیناہ بلا خلاف».
- (۲۰). (قانون مجازات اسلامی، مادۂ ۱۰۵) «حاکم شرع می‌تواند در حق‌الله و حق‌الناس بہ علم خود عمل کند و حد الہی را جاری نماید و لازم است مستند علم را

ذکر کند.»

(۲۱). به آخر مقاله (استفتائات) مراجعه شود.

(۲۲). (ماده ۱) کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان: «واژه «تبعیضات علیه زنان» در این کنوانسیون به معنی قائل شدن هرگونه وجه تمایز، قائل شدن استثنا یا محدودیتی بر اساس جنسیت است که به رسمیت شناختن آزادیهای اساسی زنان، حق بهره‌وری و رعایت حقوق بشر در مورد آنها در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و مدنی و یا سایر موارد بدون توجه به وضعیت تأهل آنها و مساوات حقوق زن و مرد خلل و آسیب وارد آورد» (نک: ناصرزاده، اعلامیه‌های حقوق بشر، انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد) ۱۳۷۲: ۶۴).



## کتابنامه

۱. اراکی، محمدعلی، توضیح المسائل، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۱.
۲. آزمایش، علی، بررسی تحلیلی از ماده ۱۷۹ قانون کیفر همگانی، معافیت است یا دفاع مشروع، مجله حقوق مردم شماره ۳۷-۳۸، بی‌جا، بی‌تا.
۳. اسلامی، علی، ترجمه تحریرالوسیله، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تا.
۴. آشوری، محمد، مقاله اصل برائت و آثار آن در امور کیفری در کتاب عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، بی‌جا، بی‌تا.
۵. امام خمینی، روح‌الله، تحریرالوسیله، قم، انتشارات قدس محمدی، بی‌تا.
۶. الجزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت علیهم السلام، بیروت، انتشارات دارالتقنین، اول، ۱۹۱۴ق.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، سوم، ۱۳۸۶.
۸. حسینی شیرازی، سید محمد، الفقه، بیروت، انتشارات دارالعلم، دوم، ۱۹۸۸.
۹. خوبی، سید ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، بی‌جا، بی‌تا.
۱۰. دست‌گشاده، منصور، قتل در مقام دفاع از ناموس، تهران، انتشارات دستان، اول، ۱۳۸۴.
۱۱. رحمدل، منصور، مقاله جنبه عمومی قتل عمد، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۴، سال هفتم، بهار ۸۵.
۱۲. رحیمی اصفهانی، عباسعلی، مجموعه قانون مجازات اسلامی، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، سوم، ۱۳۸۲.
۱۳. سبزواری، علی مؤمن، جامع الخلاف و الوفاق بین الإمامیه و بین أئمة الحجاز و العراق، زمینه‌سازان ظهور امام عصر علیهم السلام، اول، ۱۴۲۱ق.
۱۴. شکری، رضا، قادر، سیروس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، نشر

- مهاجر، هفتم، ۱۳۸۷.
۱۵. شهید اول، ابو عبدالله شمس‌الدین محمد بن جمال‌الدین مکی العاملی، الدروس الشرعية في فقه الإمامية، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۴۱۰ق.
۱۶. —، غایة المراد في شرح نکت الإرشاد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۴ق.
۱۷. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، دارالهادی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۱۸. —، رسائل الشهید الثانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۲۱ق.
۱۹. شوشتري، محمدتقی، النجعة فی شرح اللمعة، تهران، کتابفروشی صدوق، اول، ۱۴۰۶ق.
۲۰. صمدی، علی اشرف، ماده ۱۷۹ قانون مجازات ایران و مقایسه آن با شق ۲ از ماده ۳۲۴ قانون مجازات فرانسه، مجله کانون وکلا، شماره ۷۸.
۲۱. طباطبائی، سید علی بن محمد بن ابی معاذ، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل (ط- الحديثیة) قم، مؤسسه آل‌البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۱۸ق.
۲۲. فاضل هندی، محمد بن حسن بن محمد اصفهانی، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۶ق.
۲۳. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی بن شاه محمود، النخبة فی الحکمة العملية و الأحکام الشرعية، تهران، مرکز الطباعة و النشر لمنظمة الإعلام الإسلامي، دوم، ۱۴۱۸ق.
۲۴. قانون مجازات اسلامی.
۲۵. قربانی، فرج‌الله، مجموعه کامل قوانین و مقررات اساسی - مدنی، تهران، انتشارات دانشور، پنجم، بی‌تا.
۲۶. کاشف الغطاء، علی، النور الساطع فی الفقه النافع، بی‌جا، بی‌تا.
۲۷. کشاورز، بهمن، مجموعه محشای قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، تهران، انتشارات گنج دانش، اول، ۱۳۷۵.

۲۸. گلپایگانی، سید محمدرضا، الدر المنضود فی احکام الحدود، قم، دارالقرآن الکریم، اول، ۱۴۱۲ق.
۲۹. گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجله، هشتم، ۱۳۸۶.
۳۰. محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی (مسئولیت کیفری) انتشارات کتابخانه گنج دانش، اول، ۱۳۷۶.
۳۱. محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، دوم، ۱۴۰۸ق.
۳۲. مشکینی، میرزاعلی، الفقه المأثور، قم، نشر الهادی، اول، ۱۴۱۸ق.
۳۳. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، توضیح المسائل، قم، چاپخانه مدرسه الامام امیرالمؤمنین، دوم، بی تا.
۳۵. مهرپور، حسین، سیری در مبانی فقهی و حقوقی ماده ۶۳۰ ق.م.ا، مجله نامه مفید، شماره ۸، ۱۳۷۵.
۳۶. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، هفتم، ۱۲۶۶ق.
۳۷. وزیری، ابوالفتح، معافیتهای قانونی و تحلیلی از ماده ۱۷۹ قانون مجازات ایران، مجله حقوق وزارت دادگستری، شماره ۲، ۱۳۵۲.